

مجموعه آثار انقلاب، مقاومت و بیداری اسلامی (۱۱)

موج سوم بیداری اسلامی پس از انقلاب اسلامی

مجید صفاتاج

صفحات: مجید ۱۳۴۰ -	سرشناسه:
موج سوم بیداری اسلامی پس از انقلاب اسلامی / مولف مجید صفاتاج.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: آفاق روشن بیداری، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۳۲۰ ص.	مشخصات ظاهری
آفاق روشن بیداری؛ شماره نشر ۱۷. مجموعه آثار انقلاب، مقاومت و بیداری اسلامی؛ ۱۱.	فروست
۲۳۰۰۰ ریال ۵-۸-۹۵۸۱۱-۶۰۰-۹۷۸.	فروست
فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی
کتابنامه: ص. [۳۰۷]-۳۲۰.	یادداشت
ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - تأثیر	موضوع
اسلام - تجدید حیات فکری - تاریخ - قرن ۲۱ م.	موضوع
Islamic renewal - History - 21 st century	موضوع
جنبش‌های اسلامی - کشورهای اسلامی - تاریخ - قرن ۲۱ م.	موضوع
Islamic movements - Islamic Empire - History - 21th century	موضوع
جنبش‌های اسلامی - کشورهای عربی	موضوع
Islamic movements - Arab countries*	موضوع
جنبش‌های اسلامی - تاریخ	موضوع
Islamic movements - History*	موضوع
بهار عربی، ۲۰۱۰ م -	موضوع
Arab Spring, 2010 -	موضوع
Iran - History - Islamic Revolution, 1979 - Influences	موضوع
ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - تأثیر بر کشورهای اسلامی	موضوع
Iran - History - Islamic Revolution, 1979 - Influence on Islamic countries	موضوع
DSP ۱۵۶۴/ت ۲ص ۱۳۹۵ ۷	رده‌بندی
۹۵۵/ (۴)	رده‌بندی دیوید
۳ ۹۰۰۶۰۰	شماره کتابشناسی



شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۰-۸-۵ موج سوم بیداری اسلامی پس از انقلاب اسلامی

مؤلف: مجید صفاتاج

ناشر: آفاق روشن بیداری

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۵ شماره ۱۰

مدیر اجرایی: نرگس حبیبی

حروفچینی و صفحه آرا: آفاق روشن بیداری

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

لیتوگرافی: نویس، چاپ: عترت، صحافی: تندیس

شمارگان: ۵۵۰ نسخه بهاء: ۲۶۰۰۰۰ ریال

همه حقوق این اثر محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

آدرس: تهران، خیابان سبلان شمالی، خیابان شهید محسن آزادی، کوچه شهید خالقی،
بن بست شیخ حسنی، پلاک ۱۰- تلفن: ۸۸۳۱۳۸۹۸-۰۹۳۳۷۷۵۰۱۹۳

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار.....
۹	مفهوم‌شناسی بیداری (الصحوه).....
۹	بیداری در باطن.....
۱۱	بیداری (الصحوه) در باطن.....
۱۵	بیداری اسلامی از آغاز تاکنون.....
۲۸	تلاش نظام سلطه برای کنترل بیداری اسلامی.....
۲۸	الف - بررسی آکادمیک نهضت بیداری اسلامی.....
۳۱	ب - تحقیق در راه شیوه‌های برخورد.....
۳۷	مقدمه.....
۴۹	فصل اول: انقلاب اسلامی ایران احیاگر بیداری اسلامی.....
۶۹	فصل دوم: زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری موج سوم بیداری اسلامی.....
۶۹	زمینه‌ها و عوامل مؤثر سیاسی.....
۶۹	شکست طرح خاورمیانه جدید آمریکا.....
۷۳	افزایش قدرت نرم ایران در برابر آمریکا و جبهه استکبار.....
۷۷	نفوذ تدریجی ایران در کشورهای اسلامی و افزایش جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران.....
۸۱	تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و آمریکا.....
۸۵	سازش حکام عرب با رژیم صهیونیستی.....
۸۷	تداوم سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم‌های عربی مرتجع منطقه علیه ملت‌های خود.....
۹۰	تغییر سیاست‌های جهان شمولی.....

زمینه‌ها و عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی	۹۰
افزایش جاذبه فرهنگی ایران در کشورهای اسلامی	۹۰
رشد و قوام جریان‌های اسلام‌گرای همسو با ایران در منطقه	۱۰۷
زمینه‌ها و عوامل مؤثر اقتصادی - علمی	۱۰۹
الگو شدن ایران برای مردم منطقه	۱۱۰
زمینه‌ها و عوامل مؤثر نظامی	۱۱۹
افزایش حضور نظامی غرب در جهان اسلام	۱۱۹
تشدید آمریکا در افغانستان و عراق و رژیم صهیونیستی در لبنان و فلسطین	۱۲۰
فصل سوم: ویژگی‌ها و راهبردهای موج سوم بیداری اسلامی	۱۲۳
ویژگی‌ها	۱۲۳
الف - ویژگی‌های فرهنگی	۱۲۵
ب - ویژگی‌های اجتماعی	۱۳۳
ج - ویژگی‌های سیاسی	۱۵۵
راهبردها	۱۵۹
الف - در حوزه سیاسی	۱۵۹
ب - در حوزه فرهنگی	۱۶۱
فصل چهارم: فرایند شکل‌گیری قیام‌های مردمی در کشورهای	
عربی	۱۶۷
تونس	۱۶۸
اسلام‌گرایی در تونس؛ پیشینه و زمینه‌ها	۱۶۹
اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تونس در آستانه انقلاب	۱۷۳
دلایل قیام مردم تونس	۱۸۳
ارتباط قیام مردم تونس با مفهوم بیداری اسلامی	۱۹۲
یمن	۲۰۰
آغاز اعتراضات گسترده	۲۰۱
برنامه سیاسی قیام یمن	۲۰۲
عملکرد صالح در بحران	۲۰۷
نقش رژیم عربستان در بحران یمن	۲۰۹
موضع ایالات متحده آمریکا در بحران یمن	۲۰۹
مصر	۲۱۳

بحرین.....	۲۱۵
لیبی.....	۲۱۷
صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد.....	۲۲۰
دخالت نظامی غربی ها در بحران لیبی.....	۲۲۱
سرنگونی قذافی و تشکیل دولت جدید لیبی.....	۲۲۱
اولین واکنش رسانه ای غربی نسبت به تحولات لیبی.....	۲۲۲
فصل پنجم: پیامدها و چالش‌های موج سوم بیداری اسلامی.....	۲۲۵
پیامدهای موج سوم بیداری اسلامی.....	۲۲۵
الف- در سطح منطقه ای.....	۲۲۵
ب- در سطح جهانی.....	۲۵۳
چالش‌های پیش روی بیداری اسلامی.....	۲۷۲
الف- در سطح منطقه ای.....	۲۷۳
ب- در سطح منطقه ای.....	۲۸۰
ج- در سطح جهان اسلام.....	۲۸۴
نتیجه.....	۲۹۵
فهرست منابع.....	۳۰۵

پیشگفتار

بنابراین اسلامی پدیده‌ای است فراگیر که مقارن با حرکت استعمار گرانه غرب از یک سو و عقب ماندگی مسلمانان از حوزه علمی از سوی دیگر، توسط برخی نخبگان جهان اسلام کلید زده شد و کم‌کم به توده‌های مردم در بعضی کشورهای اسلامی سرایت کرد. رهبران این جریان دو هدف بازگشت به اسلام و احیای ارزش‌های اسلامی را مورد توجه قرار دادند.

برای روشن بهتر موضوع، ضروری است که ابتدا به معنی و مفهوم بیداری در لغت و اصطلاح اشاره شود.

مفهوم‌شناسی بیداری (الصحة)

بیداری در لغت

بیداری در زبان عربی از ماده صحا است؛ یعنی آن گاه که انسان به صفات تنبه و هوشیاری متصف گردد به او بیدار گفته می شود. شاید از ریشه صحا به معنی روشن کردن و آگاهی دادن باشد. (لسان العرب، ماده صحا) مستی و نیز ترک بیداری (لسان العرب، ماده مستی)

صحوه یا بیداری به واسطه متضاد آن یعنی خواب یا مستی شناخته می شود. گفته می شود: صحا من نومه او من سکره، یعنی هوشیاری

خود را پس از آن که آن را از دست داده بود باز یافت. این امر نتیجه خواب است که یک امر طبیعی است و یا نتیجه مستی که یک امر تصنعی است.

امت‌ها نیز مانند افراد، هوشیاری خود را برای زمانی اندک، یا بسیار در نتیجه خواب یا غفلت داخلی و یا خوابی که از خارج بر آنها تحمیل شده باشد، از دست می‌دهند. امت مسلمان نیز دچار اموری می‌شوند که دیگر امت‌ها بدان دچار می‌گردند، به خواب می‌روند و سپس بیدار می‌شوند، آنچنان که امروزه شاهد آن هستیم. بر این اساس بیداری امت، یعنی بازگشت هوشیاری آن پس از فقدان آن.

این پدیده، گاهی با عنوان هوشیاری (يقظه) در مقابل خواب (رقود یا نوم) بیان می‌شود؛ خرابی که امت اسلامی پس از قرن‌ها عقب ماندگی و رکود، بدان دچار شده است.

گاهی نیز با عنوان برانگیختن (بعث) پس از خواب (نوم) بیان می‌شود، چنان که خدای تعالی در قرآن می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا فَرَسْتُمْ بِاللَّيْلِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»
(انعام، آیه ۶۰)

«و اوست کسی که شبانگاه، روح شما را از به هنگام خواب می‌گیرد و آنچه را در روز به دست آورده‌اید می‌داند. سپس شما را در آن بیدار می‌کند. تا هنگامی معین به سر آید، آن گاه بازگشت شما به سوی اوست. سپس شما را به آنچه انجام می‌دهداید آگاه خواهد کرد.»

گاه نیز بعد از مرگ (موت) می‌آید و چه بسا این معنا به ذهن فرد مسلمان متبادر شود، چنان که خدای تعالی می‌فرماید:

«وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (حج، آیه ۷)

«در حقیقت، خداست که کسانی را که در گورهایند بر می انگیزد»

بر این اساس می توان گفت که امت مسلمان نمی میرند، بلکه این خواب شبیه مرگ است به ویژه که به طول بینجامد.

گفته شده است: خواب، مرگ سبک است و مرگ، خواب سنگین، یا این که خواب، مرگ کوچک است و مرگ، خواب بزرگ و طولانی. (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۵۰۸، د. ابراهیم انیس و زملاؤه)

بیداری (الصحوۃ) در اصطلاح

بنابر تعریف لغوی فوق الذکر، بیداری را بر اساس تعریف محی الدین عطیه می توان چنین تعریف نمود:

«بیداری، پیمیده اسماء، جدیدی است که به هوشیاری امت اسلامی اشاره دارد و نیز به استناد آن، در پیشرفت بی وقفه در درک خود و افتقار به دین خود و آزادی از وابستگی در فکر و زندگی و تلاش برای فروغ از عقب ماندگی و ایفای نقش تمدنی ممتاز با این اعتبار که این امت بهترین امتی است که خداوند برای آباد ساختن زمین خلق نموده است.» (مجله المسلم المعاصر، شماره ۱، ص ۵)

در اصطلاح: نقطه ای است که فرد یا ملت پس از خواب و غفلت و یا عقب ماندگی بدان دچار می شود.

در اصطلاحات صوفیه، بیداری (الصحوۃ): همانطور که در حدیث آمده این عربی آمده است (مصطلحات الصوفیه) به معنای بازگشت به

رواج این اصطلاح در این عصر، عالم مسلمان را پس از یک دوره عقب ماندگی تمدنی که تحت سیطره ممالیک و عثمانیان رخ داده بود، مشتاق قیام نمود.

این بیداری در دو زمینه و در دو جبهه تلاش می‌کند:

۱. عقب ماندگی درونی که از دوره عقب ماندگی در تمدن به میراث برده بود؛

۲. چالش‌های غربی که خواهان به حاشیه راندن ملت مسلمان است و می‌خواهد این ملت وابسته به غرب باشد تا بهره‌کشی غرب و تسلط او بر جهان اسلام همیشگی گردد.

این بیداری با صفت «اسلام» متصف شده است. این صفت وجه تمایز آن را در دو قیام‌هاست که صاحبان آن مکاتب و فلسفه‌هایی غربی، مانند: لیبرالیسم، کمونیسم یا ملی‌گرایی را به عنوان مرجع فراخوان‌های خود قرار داده‌اند. از این رو می‌توان تصریح نمود که بیداری اسلامی، جریانی است که با بخش‌ها و سطوح متعدد که سعی دارد عمل به دین اسلام را تجدید کند تا بدین ترتیب دنیای مسلمانان رونقی تازه یابد. چون سنت الهی در مسیر ملت‌ها و تمدن‌ها؛ سنت تداول و دوره‌ای است. بدین شکل که ملت‌ها و تمدن‌ها یکی پس از دیگری، دوره‌های پیشرفت و عقب ماندگی، صعود و سقوط، قیام و رکود و حیات و مرگ را تجربه می‌کنند.

خدای تعالی نیز در آیاتی از قرآن به این سنت اشاره نموده است:

«وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَفَذَّ مِنْكُمْ الشُّرَكَاءُ وَنَالُوا نَيْبَ السَّاعِمِينَ» آل عمران، آیه ۱۱۰

«و ما این (روزهای) شکست و پیروزی را میان مردم، به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و فداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما کوهانی بگیرد و فداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.»

و این سخن خدای تعالی:

«وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ» (محمد، آیه ۳۸)

«و اگر روی برتایید [فدا] جای شما را به مردمی غیر از شما فواید داد که مانند شما نفواید بود.»

هم چنین فرموده است:

«هَلْوَكَ دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره، آیه ۲۵۱)
«و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، تباه می‌گردید.»

حدیث رسالت (ص) نیز همین سنت را روشن می‌سازد، چنان که می‌فرماید:

«لَا يَلْبَثُ الْجَوْرُ بَعْدِي إِلَّا أَيَّامًا مَّتًى يَطْلُعُ، فَكُلَّمَا طَلَعَ مِنَ الْجَوْرِ شَيْءٌ ذَهَبَ مِنَ الْعَدْلِ مِثْلُهُ، مَتَى يُدْفَنُ الْجَوْرُ مِنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ، ثُمَّ يَأْتِي اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعَدْلِ، فَكُلَّمَا جَاءَ مِنَ الْعَدْلِ شَيْءٌ ذَهَبَ مِنَ الْجَوْرِ مِثْلُهُ، مَتَى يُهْلَكُ فِي الْعَدْلِ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ»

«پس از من دیری نمی‌پاید که جور آشکار می‌شود، پس هرگاه مقداری از جور آشکار شود، به همان میزان از عدالت کاسته می‌شود، تا آنجا که فرزندان در دوران جور متولد می‌شوند که غیر آن را نمی‌شناسند، آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی عدالت را مکتوم می‌کند و هرگاه که چیزی از عدالت ظهور نماید به همان میزان جور پنهان می‌گردد، تا آنجا که فرزندان در این دوران متولد می‌شوند که غیر از عدالت نمی‌شناسند.» (مسند احمد، ج ۵ ص ۲۶ شماره ۲۰۳۳)

اگر سنت تاریخی را در این است که مسیر عدالت تاریخی را روشن می‌سازد، پس این سنت نیازمند بیداری، نوسازی و خروج از چرخه غفلت، عقب‌ماندگی و جمود است.

پس بیداری به منظور نوسازی، سنتی دیگر از سنت‌های الهی برای

اجتماع انسانی و تعیین مسیر تمدن‌هاست.

حدیث رسول خدا (ص) نیز به همین حقیقت اشاره دارد، آن‌جا که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ سَنَةٍ مَنْ يُمَدِّدُ لَهَا دِينَهَا»

«خداوند برای این امت در آغاز هر صد سال کسی را بر می‌انگیزد تا دینش را تمدید نماید.»^۱

در چنانچه فرهنگ‌های انسانی نتیجه توافقات و ابداعات بشری است و نمی‌توان آنها را باز دانه و مطلق دانست به‌طوری که امکان مرگ آنها و طرد شدن آنها توسط فرهنگ‌های دیگر در راه تداوم تمدن انسانی وجود دارد، اما اگر کسی بخواهد فرهنگ اسلامی و زبان عربی را دنبال کند درمی‌یابد که این دو از سر نو نیست مرگ و نابودی فرهنگ‌ها و زبان‌ها مستثنا هستند به دلیل پیرایشان با دین آسمانی خاتم و قرآن کریمی که خداوند آفریننده هستی است. پس آن‌ها با زبان عربی مین تعهد نموده است.

از این جاست که بیداری اسلامی و نو سازی آن بخشی دائمی بوده و قانونی لازم در مسیر تمدن بشری است که فرهنگ اسلامی را با قیام بعد از رکود سوق داده است، همین سنت، ملت مسلمان را در دوره‌ای طولانی‌تر از دوران دیگر فرهنگ‌ها در طول تاریخ، راهبر تمدن بشری نسوبه گام‌های آن را بر این مسیر از غرض‌ها سرسبز و به‌ار شویت

۱. معرفة السنن والآثار للبيهقي، ج ۱ ص ۲۰۸، شماره ۴۲۲، از ابوهریره نقل کرده، سنن ابی‌داود، ج ۴ ص ۱۰۹، شماره ۴۲۹۱، و المعجم الأوسط لطبرانی، ج ۶ ص ۲۲۳ شماره ۶۵۲۷، و المستدرک حاکم، ج ۴ ص ۲۶۷، شماره ۸۵۹۲

و شخصیت داده است. بیداری از ابداعات تمدنی بشری است که وحی الهی به آن ترغیب ساخته و شاخص‌های آن را تعیین نموده است. بیداری خصوصیتی است که ملت مسلمان را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌سازد.

بیداری اسلامی از آغاز تا کنون

در چند دهه‌های اخیر، پس از شکست طرح‌های مدرن‌سازی بی‌بینی، شاهد اهمیت یافتن بیداری‌هایی در دین‌های مختلف بوده است اما بیداری اسلامی بر خصوصیتی اسلامی تکیه دارد که اسلام را از تمامی شریعت‌ها، آسمانی و مکاتب غیر الهی ممتاز می‌سازد. این ویژگی، روش فراگیر اسلام است که آن را برای ایجاد تغییرات مطلوب در تمامی نقاط دنیا کارایی می‌بخشد.

بدین ترتیب بیداری اسلامی، از آغاز آن تا کنون با رؤیای ملت برای قیام و آزادی از عقب‌ماندگی موروثی و نارسا، طره استعمار و تمدن غربی پیوند خورده است. (علاء محمد سعید، ۱۳۹۳، ص ۳۰۱-۲۹۷)

بنابراین می‌توان گفت که بیداری اسلامی هر چند در تاریخ معاصر چهره خود را نمایان ساخت اما از ابتدای صدر اسلام تا کنون قدمت دارد. اسلام توسط پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و توسط امام حسین (ع) ابقاء و توسط امام صادق (ع) تبیین شد. اما به جز این سه پیامبر اسلام (ص) و سپس توسط امام علی (ع) و معصومین (ع) که برای اقامت حکومت اسلامی و اجرای ارزش‌های دینی و احیای شریعت تلاش می‌شد در دیگر دوره‌ها و حتی در دوره ائمه معصومین (ع)، هجوم بی‌مانند وقایع و بازار پر رونق حوادث،

رویدادها، بر مرکب راهوار نشسته بود و چهار نعله می‌تاخت تا از اسلام چیزی جز پوستین وارونه و ظواهر آن باقی نماند و صرفاً ابزاری باشد برای خلافت و سلطنت حکام جائز و ظالمی که به هیچ چیز جز منافع و مطامع دنیوی خویش نمی‌نگریستند.

انقلاب جهانی پیامبر گرامی اسلام (ص) زمانی که در مکه به منصه ظهور رسید مردم فوج فوج به دعوت او لبیک گفتند. پس از آن پرتو انقلاب سر بران حجاز و سپس سراسر گیتی را فرا گرفت و پیروزی‌ها و فتوحات اسلامی یکی پس از دیگری سایر سرزمین‌ها را درنوردید و اتحاد مردم با آن پاک محمدی و انقلاب جهانی آن پیوستند. اما پس از رحلت پیامبر عظیم‌النأن اسلام حضرت محمد (ص) به تدریج - در اثر رخنه افراد فرص طلب و نفوذ افرادی که پیش از آن با اسلام می‌جنگیدند ولی بعدها تغییر بهره دادند و در داخل صفوف مسلمانان جای گرفتند - مسیر اصلی این انقلاب و شکل و محتوای آن تا حدودی عوض گردید.

با کم رنگ شدن نقش رهبران حقیقی مسلمانان و افرادی که بار این انقلاب و رساندن پیام الهی آن به مردم جهان را به دوش می‌کشیدند، کم کم توسط افراد قدرت طلب و حکومت‌های جائز به ظاهر اسلامی و مدعی رهبری مسلمانان، اهداف اصلی این انقلاب و آیین پاک محمدی به فراموسی سپرده شد و وارثان میراث پیامبر به جای اعتقاد به دین اسلام و ارزش‌های اسلامی و به جای این که به حفظ و تدوین دستاوردهای انقلاب اسلامی پیامبر با همان معیار و با همان اصول اعتقاد داشته باشند افکار و اندیشه‌های دوران جاهلیت خود را مطرح

کردند و به گونه‌ای که در جزیره العرب و شام و عراق، قومیت عربی بر ارزش‌های اسلامی این دین حنیف الهی مقدم و مرجع گردید و زمامداری مسلمانان در دست طبقه خاصی قرار گرفت که هرگز شایستگی آن را نداشتند. در این دوران مردم به صورت ابزاری در دست حکام زورمدار و جائز وقت قرار گرفتند و برادر کشی و قدرت طلبی جای ستوحات اسلامی را گرفت.

تا بیخ اسلام را که بنگری، خواهی دید که حوادث به سرعت اتفاق می‌انداختند، آسان که تقدیر را فرصت تدبیر نمی‌ماند، تا از سرفرست به رفته رفتن امور بپردازد و به اوضاع، سروسامان بدهد و چه بسا که عنان، بدست رمان می‌افتاد تا چه پیش آید و چه اتفاق افتد. طی چهارده قرن، انبوهی از رویدادها و دنیایی از تهدیدها، فشارها، توطئه‌ها، بحران‌ها، پیرزها، جنایت‌ها و... را در حق اسلام و مسلمانان می‌بینی و با خود می‌اندیشی که راستی این همه اتفاق افتاده است؟!

هجومی که از سوی غربی‌ها به اسلام و مسلمانان در طی دو قرن با نام جنگ‌های صلیبی شد و فعالیت حدود چهارصد ساله آنها علیه اسلام از زمان راه اندازی کرسی‌های اسلام شناسی در سال ۱۶۰۲ در دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد انگلیس و اعزام هزاران شرق شناس^۱ به کشورهای و مجامع اسلام، و اتخاذ استراتژی مشترک، ذیل عنوان "دارالمسیحیت"^۲ که طی آن هم قسم شدند در اروپا حتی یک کشور

۱. Orientalism

۲. Chirictandom

با اکثریت مسلمان به وجود نیاید بخشی از توطئه‌ها و بحران‌سازی‌ها و جنایت‌هایی که در حق اسلام و مسلمانان روا داشته شد.

شمار زیادی از مسیونرهای مسیحی نظیر "مونتگمری وات" استاد دانشگاه ادینبورگ در صفحه ۲۱۹ کتاب خود "محمد (ص) در مدینه" مدعی بودند، دینی به نام اسلام وجود واقعی ندارد و آن چه به نام اسلام مطرح شده عمدتاً تعالیم یهود یا مسیحیت است! آنان از این طریق درصدد بودند که جنبه انجمن‌های مسیحی و قرآن و رسالت پیامبر خاتم (ص) انکار شود تا راه برای برورنیهویر، میران دروغین در مرام شرک آلود اومانیسیم باز گردد.

نزدیک به ۳۰۰ سال پس از پایان قرون وسطی و در دوره‌ای که سه قدرت مسلمان در کنار هم برقرار داشتند (یعنی امپراتوری عثمانی، صفویه و گورکانیان هند) دستگاه سلطنتی انگلیس احساس می‌کرد برای غلبه بر امپراتوری‌های مسلمان به مؤسساتی نیاز دارد. از این رو با تکیه بر قاعده "دشمن خود را بشناس" دو مؤسسه محوری را تحت عنوان "انجمن ارتقاء دانش مسیحی" و "انجمن نشر کتاب مقدس در سرزمین‌های خارجی" به فاصله کوتاهی از هم در سال‌های ۱۶۹۸ و ۱۷۰۱م به وجود آورد. حدود ۱۰۰ سال بعد این دو مؤسسه محوری بستر ساز به وجود آمدن انجمن‌های مسیونری شدند مراکز میسیونری با همین عنوان نزدیک به ۱۵۰ سال فعالیت کردند. برابر اندریری که امسال "برنارد نویس" و "سروینیام مور" در کتاب‌های خود کرده‌اند این مراکز میسیونری از یک طرف مأمور بودند تا به سؤالات جدی مسلمانان درباره اعتقادات کلیسا و مسیحیان - نظیر اعتقاد به تثلیث - پاسخ دهند و از طرف دیگر با شبهه پراکنی پیرامون

اعتقادات اسلامی، مسلمانان و به خصوص طبقه تحصیل کرده علوم جدید را نسبت به اسلام مردد سازد.

با پایان جنگ جهانی دوم و ناتوانی انگلیس از اداره مستعمرات خود، مراکز مسیونری به آمریکا سپرده شد. برابر مستندات فراوان بعد از جایگزین شدن قدرت آمریکا به جای قدرت‌های اروپایی و شروع دور استعمار نوین، دولت آمریکا برای تحکیم سلطه خود بر کشورهای اسلامی تعداد زیادی مراکز مطالعاتی درباره اسلام و فرهنگ و سنن و آداب و رسوم مسلمانان تأسیس کرد. از این بعد عناصر فعال در این مراکز که عدد آنان از ۱۰۰ واحد فراتر می‌رفت، به جای مسیونر یا شروع به "اسلام‌شناسی" خوانده می‌شدند و این افراد با همین عنوان با مراکز دانشگاهی، حوزوی، نجفگی و سیاسی کشورهای اسلامی ارتباط برقرار می‌کردند و بر این اساس به مرور بنیادهای توانمندتری نظیر بنیاد کارنگی، بنیاد اسلامی فورد، بنیاد اسلامی راکفلر، مؤسسه رند، مؤسسه اسلامی مدیسون، شورای آمریکا برای مطالعات علمی - اسلامی و بنیاد برادلی پدید آمدند. جالب این است که همه این مراکز، بنیادها و مؤسسات توسط یهودیان اداره شده و اکثریت اسلام‌شناس‌ها یهودی بودند.

مراکز اسلام‌شناسی آمریکا از دهه ۱۹۶۰ شروع به شکل دادن به یک زنجیره ارتباطی بین مراکز کشورهای جهان اسلام کردند. در این زنجیره، روشنفکران دین‌ستیزی نظیر حامد ابریه در مصر، تسلیم نسرین در بنگلادش، فتح‌الله گولن در ترکیه و بعدها دکتر سروش در ایران حضور داشتند که از آنان با عناوینی نظیر "روشنفکران مسلمان"

و "اسلام شناسان پیشرو" یاد می‌شدند. در این زنجیره، هزاران چهره دانشگاهی و... حضور داشتند که با استفاده از فرصت‌های خاص به آمریکا عزیمت می‌کردند و به همفکری با این مراکز می‌پرداختند. اما در واقع مهمترین اتفاقی که در ارتباط با مراکز یهودی به اصطلاح اسلامی با سر حلقه‌های روشنفکری در جهان اسلام می‌افتاد توزیع غذای پخت و پز شده در آشپزخانه یهودیان آمریکایی بود. (سعدالله زارعی، ۱۳۹۱، ص ۲)

به هر حال، تجربه‌های تلخ و شیرین و رویدادهای خوشایند و اندوه‌بار برای مسلمانان طرح‌ها و برنامه‌های انجام یافته برای تجدید حیات اسلام و بازگشت انسان‌ها به فطرت الهی خویش، تلاش نخبگان و علمای جهان اسلام برای احیای ارزش‌های دینی و اجرای شریعت اسلامی، سروسامان دادن به نهضت بیداری اسلامی، ناکامی‌ها و شکست‌های عبرت‌آموز، پیروزی‌های افتخارآفرین مسلمانان، شعارها، ادعاها، وعده‌ها، وعیده‌ها، جنگ‌ها و ده‌ها ربلک صدها موضوع دیگر در تار و پود چهارده قرن حیات امتی است که زوایای اسلام بوده و می‌بایستی بر پایه آن مکتب آسمانی و رهایی بخش زندگی کنند.

امتی که با زنده و گرمی داشتن پیام آور خویش و سلاله پاکش، اندوه و رنج سالیان دراز مبارزه را به امید درخشش آفتاب فجر اسلام و ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و کسرس پشه‌های حضور آن، تسکین می‌بخشد. امتی که طی چهارده قرن این همه دشمنی‌ها و نامردمی‌ها را از سوی فجرستیزان جبهه استکبار و استبداد و آنانی که زاپسده جهل و ظلم و جور و ستم و منسرای ظلمت

استکبارند تحمل کردند.

در طی این مدت اسلام در "غربت" بود بر زبان بی دینان، در میان دینداران! [بَدْأُ غَرِيباً وَ سَعُودُ غَرِيباً] (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳۸) و دلسوزانی بدرخشیدند و ابوذر وار زیستند و غم تنهایی را بر جان خریدند و "جنبش بیداری" را آفریدند [يَحْمَلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عَدْلٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطَلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَائِلِينَ^۱...] بزرگانی همچون شهید مطهری آرزومندانه از آن سخن گفتند و آن را نیا سوری جامعه اسلامی، تلقی کردند و نگاشتند:

«ما گفته ایم، بیدار، از هر چیزی، نیازمندیم به یک استافیز دینی و اسلامی، نه یک اه تفکر دینی، به یک نهضت (وشنکر اسلامی)»
(مرتضی مطهری، ده گفتار، مقاله احیاء فکر دینی)

بدون شک اسلام و پیام آن برای کسانی که پیامبر خویش و ائمه هدی (ع) را شناخته اند پذیرفته شده است. آنانی که همانند مصلحان الهی، همواره در ستیز و مبارزه بودند، آنانی که هم چون ابراهیم و موسی و عیسی (ع) در آتش خشم مسکینان افتاده اند. آنانی که مجازات عدالت خواهی و اصلاحگری را تحمل کرده اند. کسانی که پس از یک عمر تلاش و ایثار، هدایت و ارشاد، با دلی خرابین و تنی رنجور در بستر بیماری، زخم "إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ" بر جان نهانند، در شناخت ملاک های آن مشکلی نخواهد داشت و پیام پیامبر الهی تحریف نیافته و در اختیار جامعه اسلامی قرار گرفته است.

۱. در هر برده ای از زمان کسانی عادل، بار مسئولیت دین را بر دوش کشند و تأویل و اهل باطل و تحریف افراد گریبان و نسبت های بی پایه جاهلان را می زدایند. (اختیار معرفة الرجال، ج ۴، دانشگاه مشهد)

به آن را در قلب و ادراک خود قرار دهند.

آری، اسلام روشنی است، فجر آن آزادی است، سعادت و خوشبختی است. بازگشت به آن و به فطرت الهی خویش، یعنی ستیز با ظلمت، یعنی مبارزه بی امان و خونین با همه مظاهر ظلم و جور، فجر اسلام و طلوع بیداری اسلامی چیزی جز نایب‌ودی نظام استکباری و حاکمانه و جایگزین شدن نظام عدل الهی به جای آن نیست. بیداری اسلامی فجر حاکمیت دین، فجر قسط و عدالت است، فجر آزادی و استقلال، شرافت انسان است، فجر حاکمیت اسلام، فجر تمدن دوباره اسلامی است. بیداری اسلامی موهبتی است خداوندی که باید آرمان‌ها و ره‌آورده‌های آن که همان ملاک‌های راستین اسلام و پیام آور آن است را با قدرت تمام دنبال کرد و پاسداری نمود.

این‌ها همه، شعاری برای طلبکار بودن ما از زمین و زمان و خلق و خالق نیست، بلکه واقعیت‌هایی است که روند حوادث روزگار، گاهی به فراموشی می‌سپاردشان و کسانی می‌بایست که این واقعیت‌ها را دوباره و چند باره به یادمان آورند. بدین لحاظ در تاریخ اسلام بوده‌اند کسانی که با هدف اصلاح جامعه خویش و احیای حاکمیت اسلام و احیای حاکمیت اسلام و تمدن دوباره اسلامی و برقراری قسط و عدل و آزادی و استقلال و بازگرداندن شرافت از دست رفته مسلمانان تلاش کردند و دست به پیام زدند و حتی جان خود را فدا کردند.

در این راستا برخی هم چون حضرت اباعبدالله الحسین (ع) غرق به خون خورد و یارانش شدند تا دین خدا ابقا شود. بعضی سر به دار گشتند و برخی دیگر نیز به سیاه چاله‌ها انداخته شدند تا این که رسیدند و از صحنه

مبارزه خارج شدند. تعدادی دیگر رنج و حرمان تبعید و دوری از وطن را به جان و دل خریدند و آواره گشتند. شماری نیز با شروع استعمار کهن در جهان، حرکت آنها جنبهٔ اصلاحی و گفتمانی و فردی پیدا کرد و چون حکومت سیاسی مدنظر آنها نامشخص و یا نهضت آنها به طبقه و قشری خاص تعلق داشت عملاً نتوانستند کاری از پیش ببرند. لذا حرکت های اصلاحی و فردی آنها پس از مدتی از حیز انتفاع ساقط شد. از جمله رهبران فکری این جریان می توان از سید جمال الدین اسدآبادی، علامه آقابالا لاهیجری، شیخ محمدعبده، عبدالرحمن کواکبی، ابوعلامه دودی و رشیدی، حسن البناء نام برد.

تنها مصلح دینی و رهبر اسلامی گرایانی که با تکیه بر آموزه های دینی و قرآنی، مردم را علیه نظام طاغوتی کشور خود و نیز استعمار جهانی بسیج و حکومت اسلامی مورد نظر را با انقلاب علیه حکومت دست نشانده غرب و استعمار و صهیونیسم برقرار ساخت امام خمینی (ره) بود. این انقلاب دینی در شرایطی اتفاق افتاد که هیچکدام از مراکز اسلام شناسی غرب به ویژه آمریکا ده ها کان پیروزی یک انقلاب دینی را پیش بینی نکرده بودند. حتی مراکز اسلام شناسی در آمریکا روی یک آموزه تأکید محوری داشتند:

«جهان اسلام دچار فروپاشی شده و امکان تجدید حیات را از اسلام

محروم است».

از جمله "مسیلتون" رگیب" در صفحه ۴۳ کتاب خود به نام "محمدیسم" و "آلفرد گویدرو" در صفحه ۵۹ و ۶۰ کتاب خود به نام "اسلام" بر فروپاشی اسلام تأکید کرده و آن را ناشی از ساختگی

بودن اسلام معرفی کرده است. (سعدالله زارعی، همان)

اما در نقطه مقابل این دیدگاه مراکز اسلام‌شناسی غربی، برخی جامعه‌شناسان و اندیشمندان جهان اسلام نه تنها اعتقادی به فروپاشی جهان اسلام نداشتند بلکه بیداری اسلامی جدیدی را در جهان اسلام بشارت دادند. سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز موج اول بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی برخی جامعه‌شناسان، سیاستمداران، محققان و اندیشمندان سیاسی جهان این بیداری را پیش‌بینی کرده و در قالب عنوان نمونه، اندیشمند شهید، سید قطب در کتاب خود تحت عنوان «المستقبل لهذا الدین»^۱ و نیز حامد ربیع، استاد علوم سیاسی، بشارت این بیداری را داده‌اند؛ بلکه تمام رهبران فکری و سیاسی جهان، از شخصیت‌های پیش‌انتظار چنین بیداری را می‌کشیدند. اسمیت، استاد دانشگاه مونترال، کتابی با عنوان «اسلام امروزین» دارد که در دهه پنجاه میلادی به چاپ رسید و در آن توجه مسئولان کشور متبوعش را به این بیداری جلب کرده است. همچنین خاورشناس انگلیسی «مونتو کوملی وات» در سال ۱۹۶۴ م کتابی را منتشر کرد و در آن اسلام قرون وسطی را مورد کنکا و تمسخر داده و انتظار بیداری اسلامی را داشته است و در توصیف آن می‌گوید:

«بیداری اسلامی ایدئولوژی چهارمی خواهد شد که در پایان قرن بیستم بر جهان معاصر حاکم می‌شود.»

البته مهم‌ترین مدرک در این زمینه مربوط به دانشمند روسی «زروگانوفسکی» است که به دنبال انقلاب سوسیالیستی کتابی نوشت و

۱. این کتاب توسط مقام معظم رهبری، آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) تحت عنوان «آینده در قلمرو اسلام» به فارسی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است.

به ارزیابی آن پرداخت و با اشاره به دو انقلاب فرانسه و سوسیالیستی شوروی و شکست آن دو از یک جهت مشخص و نیاز جهان به انقلاب دیگری که بتواند اشتباهات مسیر حرکتی انسان را تصحیح کند، این سؤال را مطرح می‌کند که انقلاب جهانی سوم کی و از کجا می‌آید؟ سپس پیش‌بینی کرده که خیزش این انقلاب [سومی] تنها از جهان اسلام خواهد بود. این پیش‌بینی متعلق به سال ۱۹۱۹ است. (عبدال بن عبدالله - القحطان، بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، باشگاه اندیشه)

امام خمینی (ره) نیز بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز هم سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این شروع نهضت بیداری اسلامی در جهان اسلام و قیام مستضعفین در مقابل مستکبرین را پیش‌بینی کرده و هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آن را به روشنی اعلام نمودند:

«... من امیدوارم که فدای تبارک و تعالی، به همه ما و به همه مظلومین عالم و به همه مستضعفان جهان پیروزی عنایت کند، تا همه از زیر بار این ابرقدرتها فارغ بشوند. مسئله‌ای است که باید بشود. مسئله این طور شده است که دیگر مسئله عقیقین در مقابل مستکبرین قیام کرده‌اند، بیدار شده‌اند. بیداری اولی قدم است. اول قدم یقظه (بیداری)، در سیر عرفانی هم یقظه (بیداری) اولی قدم است. در این سیر، این هم سیر الهی و عرفانی است. بیداری این قدم است و کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلم، ملت‌های مستضعف در سرتاسر جهان، این‌ها بیدار شده‌اند و سیاه‌های امریکایی کتک این بیداری را می‌خورند...» (۱۴ خرداد ۱۳۵۹، صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۳۸۲)

و در توضیح این یقظه توحیدی ملت‌ها برای نجات می‌فرمایند:

«توجه به این نکته و تذکر اولاً لازم است، ملتی که بخواهد سرپای خود